

کتاب مقدس درباره شریعت گرای می گوید؟ یک مسیحی چگونه باید از افتادن در دام شریعت گرای دوری کند؟

واژه “شریعت گرای” در کتاب مقدس نیامده است، بلکه اصطلاحی است که مسیحیان برای شرح یک موضع مکتبی استفاده می کنند که تاکید بر نظامی از قواعد و قوانین برای کسب نجات و رشد روحانی می کند. شریعت گرایان به تبعیت سختگیرانه از قواعد و قوانین باور دارند و آن را الزامی می دانند. از لحاظ عقیدتی، این موضع اساساً بر ضد لطف خداوند است. کسانی که طرفدار موضع شریعت گرای هستند، غالباً مقصود واقعی شریعت را نمی فهمند، خصوصاً مقصود شریعت عهد قدیم موسی را که “آموزگار” ما شد تا ما را به مسیح برساند (غلاطیان فصل ۳ آیه ۲۴).

حتی ایمانداران حقیقی ممکن است شریعت گرا باشند. ما آموخته ایم که نسبت به یکدیگر لطف نشان دهیم: “هر ایمانداری را که مایل است به جمع شما پیوندد، به گرمی بپذیرید، حتی اگر ایمانش ضعیف باشد. اگر عقاید او درباره کارهای درست و نادرست، با عقاید شما متفاوت است، از او ایراد نگیرید” (رومیان فصل ۱۴ آیه ۱). متأسفانه، افرادی وجود دارند که توجه زیادی نسبت به تعالیم غیر اساسی دارند تا آنجا که دیگران را به معاشرت با خود راه نمی دهند، و حتی اجازه نمی دهند که دیگران دیدگاه خودشان را بیان کنند. این نیز شریعت گرای است. اشتباه بسیاری از ایمانداران شریعت گرای امروزی این است که خود را ملزم به تبعیت بی قید و شرط، از تفاسیر کتاب مقدسی خودشان و حتی سنتهای خودشان می کنند. مثلاً افرادی وجود دارند که احساس می کنند که برای روحانی بودن، صرفاً باید از تنباکو، و مشروبات الکلی، رقص، فیلم، و غیره پرهیز کنند. حقیقت این است که پرهیز از این چیزها هیچ تضمینی برای روحانی بودن نیست.

پولس رسول در کولسیان فصل ۲ آیه های ۲۰ تا ۲۳ نسبت به شریعت گرای هشدار می دهد: “اکنون شما با مسیح مرده‌اید و از عقاید دنیا آزاد شده‌اید، عقایدی که بر اساس آنها، برای کسب نجات باید اعمال نیک انجام داد و دستورهایی خاصی را بجا آورد. پس حال که از این عقاید آزاد شده‌اید، چرا باز پایبند اصول و قوانینی می‌شوید که می‌گوید این را نخورید، آن را نچشید، و دست به فلان خوراک نزنید؟ اینها قوانین زودگذر انسانی هستند، زیرا خوراک وقتی خورده شد، دیگر تمام شده است! این قوانین ممکن است بظاهر خوب باشند، زیرا اجرای آنها نیاز به زهد و عبادت و ریاضت زیاد دارد؛ اما برای تسلط بر افکار و هوسهای ناپسند انسان، هیچگونه تأثیری ندارند، جز اینکه شخص را خودپسند و مغرور سازند.” شریعت گرایان، شاید پارسا و روحانی باشند، اما شریعت گرای نهایتاً نمی تواند مقاصد خدا را به انجام رساند، چرا که عملکردی ظاهری است، به جای اینکه تغییری باطنی باشد.

برای اینکه در دام شریعت گرای نیافتیم، باید محکم به سخنان یوحنا رسول بچسبیم، “خدا احکام خود را توسط موسی به مردم داد، اما راستی و محبت را بوسیله عیسی مسیح عطا فرمود” (یوحنا فصل ۱ آیه

۱۷) و به یاد داشته باشیم که خصوصاً نسبت به برادران و خواهرانمان در مسیح، با لطف و مهربانی رفتار کنیم. “آنان بندگان خدا هستند، نه بندگان شما؛ آنان فقط به خدا پاسخگو هستند، نه به شما. بنابراین، بگذارید خدا درستی یا نادرستی عقیده‌شان را به ایشان نشان دهد؛ و البته خدا قادر است کمکشان کند که راه صحیح را در پیش گیرند” (رومیان فصل ۱۴ آیه ۴). “بنابراین، شما به هیچ وجه حق ندارید از برادر خود ایراد بگیرید و یا با نظر تحقیر به او نگاه کنید. به یاد داشته باشید که هر یک از ما باید به تنهایی در مقابل تخت داوری خدا بایستیم تا او ما را داوری کند” (رومیان فصل ۱۴ آیه ۱۰).

باید احتیاط کنیم. در عین حال که باید نسبت به یکدیگر بخشنده باشیم و نسبت به اختلافات بر سر موضوعات قابل بحث مدارا کنیم، اما نمی‌توانیم بدعت را بپذیریم. ما ترغیب شده ایم تا از “ایمان” که خدا یکبار به مقدسین خود داد با جدیت تمام دفاع کنیم (یهودا ۳). اگر این رهنمودها را به ذهن خود بسپاریم و آنها را با عشق و مهربانی بکار ببندیم، هم از شریعت گراییم و هم از بدعت و کج روی در امان خواهیم بود. “عزیزان من، اگر کسی ادعا کند که از جانب خدا پیغامی دارد، زود باور نکنید. نخست، او را بیازمایید تا دریابید که آیا پیغام او از جانب خداست یا نه؛ زیرا معلمین و واعظین دروغین، این روزها همه جا پیدا می‌شوند” (اول یوحنا فصل ۴ آیه ۱).